

بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: ترکیه، روسیه و ایران

محمد دیکایا^۱

رقابت میان ایران، روسیه و ترکیه بر سر منابع و بازار آسیای مرکزی، بیشتر بر سرمایه خصوصی متکی می‌باشد. فعالیت سرمایه‌های خصوصی نیز همواره وابسته به موقعیت اقتصادی و پتانسیل حکومت می‌باشد. بازیگران اصلی در اقتصاد جهانی مدرن، شرکتها و سازمانهای چندملیتی می‌باشند. دیگر دوره ایدئولوژی‌های سیاسی که بیشتر مخصوص دوران جنگ سرد بودند و متکی بر نیروی نظامی، سپری شده است. قدرت و یا ضعف یک حکومت وابسته به شرکت جستن این حکومت در روابط اقتصادی روبه رشد بین‌المللی و مطابقت فعالیتهايش با تقاضاهای اقتصاد جهانی است. بی‌شک رقبای موجود در آسیای مرکزی محدود به چند کشور نام برده نمی‌باشند. حتی نقش اول از آن کشورهای پیشرفته غربی است. به اینها باید ژاپن که ظرف چند سال اخیر به سرعت به این بازار وارد شده را نیز افزود.

تلاش برای راهیابی هرچه بیشتر آسیای مرکزی به بازارهای جهانی و علاقه معطوف شده به این بخش از جهان و کشمکش‌های موجود در این منطقه، سرعت بیشتری یافته است. مهمترین دلیل این وضعیت ناشی از خلاءهای اقتصادی به‌وجود آمده از فروپاشی شوروی می‌باشد. به دلیل این خلاء اتحادهای گوناگون توسط کشورهای منطقه با دیگر کشورها در حال شکل‌گیری می‌باشد. در میان معماران این اتحادیه‌ها و پیمانها، کشورهای ایران، روسیه و ترکیه به عنوان وارثان اقتصادی و تاریخی اوراسیا نیز مشاهده می‌شوند.

۱. آقای محمد دیکایا (Mehmet Dikkaya) دانشجوی دوره دکتری بخش اقتصادی دانشکده مطالعات کشورهای اسلامی و آسیای مرکزی دانشگاه مرمره ترکیه است. این خلاصه از مقاله‌ای در فصلنامه اوراسیا چاپ آنکارا، زمستان ۱۹۹۹ ترجمه آقای باغبان کندی می‌باشد.

ترکیه کشوری است که پس از صدها سال فرصتی را جهت اتحاد با برادران خود در آسیا به دست آورده است و ایران کشوری است که قریب به دو بیست سال در منطقه در حال توسعه بوده و روسیه مایل به از دست دادن کشورهای مجموعه امپراتوری سابق شوروی نمی باشد و خواهان یافتن امکان برقراری همکاری های نزدیک با کشورهای این منطقه است. روابط اولیه ایران و ترکیه با این کشورها در آغاز استقلال آنها بیشتر مبتنی بر احساسات بوده است.

روسیه هم که هنوز در حال خروج از سردرگمی به وجود آمده بود، خود را به صورت طبیعی وارث این منطقه می دانست. اما بعداً این کشورها در جامعه بین المللی پس از مواجهه با واقعیات سیاسی و اقتصادی ناچار به اتخاذ سیاستهای متفاوتی شدند.

در این بررسی توانایی های اجرایی، تأثیرگذاری ها و تلاش ایران، روسیه و ترکیه در خصوص بازسازی و توسعه آسیای مرکزی مورد بررسی قرار می گیرد. در این چارچوب با عنایت به روابط تنگاتنگ مسایل سیاسی با مسایل اقتصادی در خصوص امکانات اقتصادی هر یک از سه کشور در منطقه مورد نظر، بحث و بررسی به عمل خواهد آمد.

تجارت خارجی کشورهای منطقه

در راستای بحث مورد نظر یعنی روابط اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان) تجارت خارجی بیش از هر چیز مورد توجه می باشد. این امر را از روند صعودی اعتبارات خارجی و سرمایه گذاری های خارجی می توان دریافت. یکی از مهمترین کشورهایی که کشورهای آسیای مرکزی با آن دارای تجارت خارجی گسترده هستند، کشور روسیه است. این وضعیت را از نمودار شماره ۱ نیز می توان فهمید:

وضعیت رقابت کشورهای آسیای مرکزی از دیدگاه تجارت خارجی
(برحسب درصد)

صادرات به	قزاقستان		ازبکستان		قرقیزستان		ترکمنستان
	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۴
روسیه	۴۵	۴۲	۴۴	۲۳	۷۱	۳۶	۵
ترکیه	۱/۵	۲	۲	۵	۱	۰/۸	۳
ایران	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۱	۱	۱
واردات از							
روسیه	۳۶	۴۹	۵۹	۳۳	۲۲	۱۸	۱۱
ترکیه	۲/۵	۳	۱۷	۳	۴	۷	۱۶
ایران	کمتر از یک	کمتر از یک	کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۵	۰/۲	۰/۴	۵

منبع: فوریه تا نوامبر ۱۹۹۴ و ژانویه تا آوریل ۱۹۹۵، کمیته آمار ملی و سازمان ملل متحد

نمودار شماره ۲ - حجم مبادلات تجارت خارجی آسیای مرکزی با روسیه

(برحسب میلیون دلار)

سال	قزاقستان		قرقیزستان		ازبکستان		ترکمنستان		مجموع
	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۹۳	۲/۳۸۵	۱/۴۱۳	۲۰۸	۱/۰۲۵	۷۳۵	۱۶	۱۹۹	۲/۶۳۶	۲/۵۵۲
۹۴	۲/۱۸۵	۱/۹۹۶	۱۰۷	۱/۰۲۵	۸۳۴	۶۰	۱۱۲	۳/۰۱۵	۳/۶۳۸
۹۵	۲/۵۱۴	۲/۶۶۲	۱۱۰	۱/۰۲۵	۸۲۷	۸۸۹	۹۳	۲/۸۳۱	۳/۵۳۹
۹۶	۲/۴۸۹	۳/۰۲۶	۸۱۳	۱/۰۲۵	۶۵۹	۱۴۶	۱۱۴	۳/۹۶۳	۳/۸۴۱
۹۷	۲/۷۳۶	۲/۵۸۸	۷۱۶	۱/۰۲۵	۸۷۰	۲۶۵	۱۵۴	۳/۸۹۰	۴/۰۲۸

منبع: جراید روسی، ۱۹۹۸.

نمودار شماره ۳- آمار تجارت خارجی ترکیه و جمهوری‌های ترک‌زبان

(به میلیون دلار)

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
میزان صادرات ترکیه	۴۵۵/۳	۴۴۴/۲	۵۴۹/۱	۸۶۲	۱/۶۰۸۸/۲
درصد سهم ترکیه از صادرات به این جمهوری‌ها	۳	۲/۵	۲/۵	۳/۷	۴/۱
میزان واردات ترکیه	۱۹۶/۸	۲۱۹/۶	۲۹۳/۶	۳۰۶/۸	۴۰۱/۱
درصد سهم ترکیه از واردات از این کشورها	۰/۷	۰/۸	۰/۸	۰/۷	۰/۸

منبع: گزارش اقتصادی ۱۹۹۸، ITO، ص ۸۲-۸۰.

براساس نمودار شماره ۱، بازار روسیه برای قزاقستان و قرقیزستان بیش از بقیه حائز اهمیت می‌باشد. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۵، ۴۲٪ از صادرات و ۴۹٪ از واردات قزاقستان با روسیه بوده است. این آمار برای قرقیزستان ۳۶٪ صادرات و ۱۸٪ واردات از روسیه بود. از این سهم صادرات، مقداری که به ترکیه اختصاص داشت رقم بسیار کوچکی بوده است.

از نمودار شماره ۳ به‌وضوح می‌توان این موضوع را دریافت. ارقام موجود در این نمودار اگر با احتساب صادرات جمهوری آذربایجان نیز همراه باشد، نشان‌دهنده این مهم است که هنوز حجم روابط تجاری ترکیه با آسیای مرکزی به حدی قابل قبول نرسیده است. برای ایران این ارقام بیش از این نیز پایین می‌باشد. فروشندگان ترک به‌ویژه در بازارهای قرقیزستان قابل مشاهده و ملاحظه هستند. اما به‌رغم این حجم صادرات ترکیه به این کشور در سال ۱۹۹۵ از حجم صادرات روسیه ۲/۵ برابر کمتر بوده است.

در خصوص قزاقستان نیز این تفاوت عبارت از ۱۴/۴ برابر می‌باشد. تجارت ترکمنستان و

ازبکستان با روسیه نیز بسیار تنگاتنگ می‌باشد. در این میان موضوع صادرات ازبکستان به صورت عمده به روسیه و اروپا نیز قابل ملاحظه است. اما تنها تفاوت صادرات کشور ترکمنستان به روسیه و ترکیه در سال ۱۹۹۴ بسیار جزئی بوده است. براساس محاسبات تقریبی این فاصله در سال ۱۹۹۵ نیز به همین مقدار کم وجود داشته است. علت این امر ناشی از نوع اقتصاد ترکمنستان است. زیرا نوع صادرات ترکمنستان عمدتاً شامل محصولات نفتی، گاز و پنبه می‌باشد. روسیه نیز از زاویه تولید مشتقات انرژی یکی از مهمترین کشورهای منطقه می‌باشد و احتیاجی به وارد کردن چنین محصولاتی ندارد.

به دلیل عدم کیفیت لازم محصولات نساجی روسیه در رقابت با کالاهای مشابه در بازارهای جهانی، میزان واردات پنبه توسط روسیه از کشورهای آسیای مرکزی نیز روبه کاهش گذاشته است. به موازات آن، ازبکستان و ترکمنستان مجبور به جستجو جهت یافتن بازارهای دیگر برای فروش محصولات خود شده و در این راستا در صحنه محصولات نساجی، ترکیه به عنوان یکی از مهمترین مدعیان مطرح بوده است. از طرف دیگر این کشور به خاطر بازپرداخت وامهایی که در سالهای ۹۳-۱۹۹۱ از ترکیه دریافت کرده‌اند ناچار به ارسال کالا در ازای این بدهی‌ها بوده‌اند.

صادرات پنبه کشورهای آسیای مرکزی به این کشور در حال افزایش است؛ اما این وضعیت یک حالت گذرا می‌باشد. زیرا صنایع نساجی در داخل این کشورها در حال توسعه می‌باشد و به مرور زمان مقدار زیادی از محصول پنبه در داخل این کشورها به مصرف خواهد رسید. با توجه به نمودار شماره ۱ حجم مبادلات خارجی کشورهای آسیای مرکزی با ایران بسیار کم می‌باشد و این کشور برای توسعه اقتصادی ملی به ارقام قابل توجهی دست نیافته است. برای ایران بهترین رقم دسترسی در بازار آسیای مرکزی، اختصاص ۵٪ از صادرات خود به ترکمنستان در سال ۱۹۹۴ بوده است، این رقم در مقایسه با صادرات ترکیه به این کشور ۳ برابر و یا صادرات روسیه به آن ۲ برابر کمتر می‌باشد. صادرات کشورهای آسیای مرکزی به روسیه در سال ۱۹۹۴

به‌طور متوسط ۳۰ برابر از صادرات این کشورها به ترکیه و ۱۰۰ برابر از صادرات آنها به ایران بیشتر بوده است. به همین میزان واردات این کشورها از روسیه در مقایسه با واردات آنها از ترکیه و ایران به ترتیب ۳۰ برابر و ۱۰۰ برابر بیشتر بوده است.

حجم تجارت کشورهای آسیای مرکزی و روسیه در سال ۱۹۹۷ در مقایسه با سال ۱۹۹۶ هرچند جزئی هم باشد، افزایش نشان می‌دهد. در میان اقلام صادراتی روسیه به این کشورها انواع سوخت و انرژی، لوازم یدکی و اقلام کشاورزی را می‌توان دید. واردات از این کشورها نیز در سطح گسترده بر مواد اولیه کشاورزی، مشتقات مواد غذایی، منابع معدنی متکی است. اینها هم نشانگر آن است که روسیه برای این کشورها جایگاه اول را به‌عنوان شریک تجاری همچنان حفظ کرده است. به عنوان مثال اگر سهم این کشورها در مجموع تجارت خارجی روسیه در سال ۱۹۹۷، ۵٪ بوده باشد باز هم از دیدگاه جمهوری‌های آسیای مرکزی این نسبت‌ها ارقام بسیار بالایی را تشکیل می‌دهد.

جستارهایی در دوران پس از فروپاشی شوروی

پس از فروپاشی شوروی و ایجاد جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع چگونگی ممیز شدن کشورهای نوظهور اهمیت خاصی یافت. این موضوع در وهله اول برای کشورهای آسیای مرکزی بسیار سخت به نظر می‌رسید، این سختی از منظر اقتصادی و جغرافیایی نشأت نمی‌گرفت؛ به جز خجند، خیوه و بخارا هیچ‌یک از کشورهای جدید حکومتی را به صورت مستمر تجربه نکرده بودند.

بسیاری از این کشورها در واقع از منابع دولت مرکزی به نفع خود بهره می‌بردند و لذا دستیابی این جمهوری‌ها به استقلال خلّائی را از نظر اقتصادی برای آنها به‌وجود آورده بود. این خلّاء از طریق دولتهایی کاملاً متنوع در حال پُر شدن می‌باشد. این کشورها با شعارهای اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی همانا کشورهای ایران و ترکیه می‌باشند. مشخص است که

ایران با منشاء اسلام‌گرایی و ترکیه با منشاء ترک‌گرایی نتوانسته‌اند ایده‌آلهای لازم استراتژیک را به کشورهای آسیای مرکزی ارائه نمایند، به‌علاوه این کشورها از دیدگاه فرهنگی و مذهبی چندان زیاد هم کشورهای آسیای مرکزی را متأثر نساخته‌اند. به‌رغم این امر در آغاز دهه ۹۰ صاحب‌نظران سیاسی موجود در این کشورهای نوپا برای تثبیت کشورشان در جامعه بین‌المللی تمامی امکان کشورشان را به کار گرفته و به موازات آن تهدیداتی را که از سوی روسیه متوجه استقلال آنها بود، در نظر گرفته بودند.

با مسأله اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی از سوی حکومت‌های کشورهای آسیای مرکزی به اشکال گوناگون برخورد شده بود. اسلام کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان تأثیرات سازمان‌های اسلامی و ایدئولوژی اسلامی را به شکل کاملاً واضح و جدی مورد انتقاد قرار داد. علت این نوع تفکر کریم‌اف ناشی از جنگ داخلی آغاز شده از سوی گروه‌های مختلف در تاجیکستان بود. رهبر ازبکستان آشکارا مخالفت خود را با سیاسی کردن اسلام از سوی هر کسی که باشد اعلام داشته بود. اینکه ازبکستان و تاجیکستان به عنوان دو کشور مسلمان محسوب می‌شوند بیش از پیش محل تأمل دارد. واقعیتش این است که در تاجیکستان و ازبکستان نوع فهم مردم و اعمال آنها کاملاً در چارچوب اصول اسلامی نمی‌گنجد. کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان نیز به درجات متفاوتی از الگوی کمونیسم جزئی از اتحاد شوروی شدن گریبانگیرشان شده است؛ به آنها نیز به سختی می‌توان الگوی دولت اسلامی را اطلاق نمود.

برای ملت‌های ساکن شوروی که مجموعه‌ای مختلط از مردمانی با ادیان متفاوت بوده است تنها برخی از شاخه‌های دین اسلام و برخی از مسلک‌های دنیوی مورد توجه می‌باشد. به‌عنوان مثال از دیدگاه یرژنوف که محقق مسایل قزاقستان می‌باشد، قزاق‌ها پیش از دین اسلام به مذهب سابقشان تنگیرچی تمایل نشان می‌دهند. این مذهب قبل از اسلام مطرح بوده و متکی بر سنن و عاداتی است که پیشینیان را به مدارج بالاتر سوق داده است.

بنابراین دلیلی، درباره ارتباط آسیای مرکزی با اسلام تاکنون تحقیقات دقیق و علمی

به عمل نیامده است. در اولین نگاه به قرقیزستان نیز مشاهده خواهیم کرد که اسلام نوع قرقیزی نیز وضعیت بسیار ویژه‌ای دارد و در قالب‌های اسلام کلاسیک (سنتی) و آنچه که در کشورهای عربی اجرا می‌شود، متفاوت است. برای محققان شوروی مفهوم اسلام ملی، بیانگر اعتقاد عامه مردم آسیای مرکزی بوده است. این امر در حالی که ما راز از تحلیل جدی دور می‌سازد، پاسخی برای این سؤال که در کشورهای آسیای مرکزی اسلام به چه مفهومی می‌باشد محسوب نمی‌شود. بسیاری از این کشورها در مقابله با سیاسی شدن اسلام تلاش کرده‌اند تا امکان استفاده از عامل اسلام کاهش یابد. با توجه به این موضوع، تفکر شیعی اسلام به سختی می‌تواند امکان گسترش در این منطقه را بیابد؛ زیرا از یک طرف فقه حنفی در این سرزمینها رواج داشته و از سوی دیگر زندگی آنها به زندگی متأثر از اصول پیشرفته و مدرن سیستم شوروی آمیخته است.

اما در این کشورها ترویج مذهب تسنن در سالهای آینده از شانس بیشتری برخوردار می‌باشد. تمام این عوامل مانعی برای گسترش مدل ایران در منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود. در سرزمینهای آسیای مرکزی، موضوع تفکر پان‌ترکیسم و روابط با ترکیه اهمیت روزافزونی یافته است. این وضعیت به دو دلیل می‌تواند توضیح داده شود:

اولاً، در سالهای ۹۲-۱۹۹۰ اعتبارات مختلف مالی از سوی ترکیه به این کشورها اعطا شده است. این اعتبارات اگر به عنوان فشار بر توازن بدهی‌های آنان نیز تلقی شود، توانسته بود کمبود کالا در بازار این کشورها را تا حدودی برطرف نماید. این کمبودها از فروپاشی شوروی و قطع واردات از روسیه به این کشورها نشأت می‌گرفت. به عبارت دیگر ارتباطاتی را که پان‌ترکیسم در ابعاد ایدئولوژیک ایجاد کرد، از طرف دیگر مفهوم اقتصادی نیز داشته است. در قبال این اقدامات از سوی این کشورها نیز که در بحران قرار داشتند به میزان زیادی مثبت برخورد شده بود.

ثانیاً، خواست تمام کشورهای استقلال یافته، برای رهایی از وابستگی بسیار خطرناک خود به روسیه از هر طریق ممکن بود. ترکیه به این مفهوم به درجه نجات تبدیل شد. در فاصله

سالهای ۹۳-۱۹۹۱ برخی از کشورهای آسیای مرکزی یا حروف الفبای خود را به الفبای لاتینی تغییر دادند و یا برای تبدیل آن تصمیماتی را اتخاذ کردند. در این دوران روابط دوجانبه ترکیه با این کشورها روبه پیشرفت نهاد. روابط در زمینه‌های آموزش و تربیت نیروی انسانی در زمینه‌های مختلف آغاز شد. گفتگوها و رفت‌وآمدها میان سیاسیون آسیای مرکزی و سیاستمداران ترکیه انجام و برقرار شد. در فاصله سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ برخی از رهبران کشورهای آسیای مرکزی میهمان ترکیه بودند و برخی از اقتصاددانان ترکیه مشاور آنها شدند. به‌ویژه ترکمنستان به دلیل اینکه در این اواخر صادرات گاز آن به عنوان مهمترین ماده صادراتی ترکمنستان، از سوی روسیه با موانعی روبرو شده بود بیش از گذشته به ترکیه نزدیک شده و به مسیرهای ترک از دیدگاه آینده‌کشور امید بسیار بسته بود.

به این روند جدا از تاریخ نباید نگرست. زیرا چند سال است که آسیای مرکزی و ترکیه با تأثیرگذاری متقابل بر یکدیگر داشته‌اند. در دوران شوروی سابق این روابط میان ملت‌هایی که دارای فرهنگ نزدیک به یکدیگر می‌باشند، کاهش یافته بود؛ لکن بعداً برقراری روابط با سرعت زیاد در سطوح بالا میان آنها قابل مشاهده است. در زمانی که روسیه به دنبال برقراری همکاری استراتژیک با کشورهای دیگری باشد کشورهای آسیای مرکزی نیز به اندازه خودشان برای نزدیکی و ایجاد دوستی به دنبال کشورهای دیگر رفته‌اند.

نزدیکی ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی از اواخر حیات شوروی سابق سرعت گرفته بود. این کشورها از زمان شوروی سابق به ترکیه به عنوان یک الگو می‌نگریستند. ویژگی ترکیه در داشتن بخش خصوصی قدرتمند و مدرن بودن آن است.

قبل از فروپاشی شوروی جمهوری‌های ترک‌زبان که تحت حمایت مرکز قرار داشتند براستی با شرکای ترک خود همکاری‌ها را آغاز کرده بودند.

در سالهای آغازین دهه ۹۰ مسافرت اتباع ترکیه به آسیای مرکزی یک مدروز شده بود. برای این منظور رهبران این کشورها نیز شرایط مناسبی را فراهم کرده بودند. در اواخر سال ۹۱ و

اوایل سال ۹۲ اسلام کریم‌اف به ازبکستان برگشت و به عنوان رئیس‌جمهور این کشور از سازمانهای خارجی و کشورهای دیگر خواهان حمایت از ازبکستان شد و حتی جمله‌ای که هیچ‌کس انتظارش را نداشت به زبان آورده گفته بود: «زمانی خواهد آمد که ازبکها و ترکها در یک مجلس گردهم خواهند آمد». اما مردم ازبکستان شهادت مهمی را درباره نوع تفکراتش در خصوص توضیح تحولات در یکی دو سال اخیر از خود نشان داده‌اند.

سایر کشورهای آسیای مرکزی نیز از این کشور عقب نمانده و در سطوح دیپلماتیک فعالیت زیادی را انجام داده و در سطح عالی دیدارهایی را به عمل آورده‌اند. گردهمایی کشورهای ترک زبان در اکتبر سال ۱۹۹۲ در آنکارا، اجلاس کمیته روابط اقتصادی در اکتبر ۱۹۹۴ در استانبول و در دوره‌های مشخص ادامه یافتن آن مثالهایی برای این مقصود محسوب می‌شوند. اما این سرعت نزدیکی به ترکیه از ضعف رسوم و قواعد دولت و نیاز آنها به کمکهای اقتصادی سرچشمه گرفته بود. مثلاً ازبکستان در همان زمان چین را به عنوان کشور بزرگی شناخته و روابط دیپلماتیک با آن کشور برقرار کرده بود. در تیرماه سال ۱۹۹۲ با روسیه یادداشت تفاهم دوجانبه‌ای را امضا کرد و بدین وسیله امنیت مرزهای خود را تضمین نمود. در خردادماه ۹۲ نیز با کشورهای کره جنوبی، مالزی و اندونزی گفتگوهای دیپلماتیک را برقرار کرد و در آبان ماه همان سال زمینه‌های برقراری روابط با ایران را فراهم نمود. دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز به تدریج روابط با آمریکا و اسرائیل و اتحادیه اروپا را افزایش دادند. در واقع این قبیل سیاستها به خاطر سیاست جابگیری در گروههای بین‌المللی برای تمامی کشورهای عضو شوروی سابق اجرا شده بود.

در اواسط دهه ۹۰ تفکر پان‌ترکیسم روبه ضعیف شدن نهاده بود. دلیل این امر را عدم کفایت قدرت اقتصادی همکار جدید به میزانی که از آن انتظار می‌رفت می‌توان عنوان کرد، اما این را نمی‌توان به منزله به پایان رسیدن تمام روابط میان ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی دانست. در دهه ۱۹۹۰ تفکر پان‌ترکیسم (ملی‌گرایی ترکی) سیر قهقرایی داشته و تضعیف شده

است. یکی از مهمترین دلایل این مسأله را افول قدرت سیاسی و اقتصادی شریک جدید می‌توان شمرد. اما این مورد به معنای به پایان رسیدن روابط اقتصادی بین آسیای مرکزی و ترکیه نمی‌باشد. فقط و فقط این کشورها در روابط اقتصادی بین‌المللی شروع به برخورد به شکل جدی‌تری کردند. در بخش خصوصی درجه تأثیر این مسأله به‌گونه دیگری رخ داد. روسیه نیز به غیر از بعضی از موارد استثنایی با به‌وجود آوردن محیط‌های قابل توجه متکی به روابط بازاری، خواستار سهمی در پیشرفتهای اقتصادی منطقه می‌باشد. اما در این کشور تعداد افرادی که معتقد به شروع روابط از نقطه صفر می‌باشند به مراتب زیاد است. زیرا اعتبار روابط اقتصادی که بین آسیای مرکزی و روسیه برقرار بوده دارای سیر منفی و محکوم به نابودی می‌باشد. با توجه به این نکته، راههای احداث شده حمل و نقل برای اقتصاد روسیه حائز اهمیت زیادی نخواهد بود. طویل بودن راههای حمل و نقل بین کشورهای توسعه یافته و جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز یکی از مهمترین مسایل این کشور است.

نقش بخش خصوصی در رقابتهای منطقه‌ای

در رقابتهای منطقه‌ای کارآیی بخش خصوصی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. زیرا از سال ۱۹۹۰ پس از شروع بازسازی در کشورهای مذکور، بخش خصوصی بیش از سازمانهای دولتی مورد توجه قرار گرفته شده در تجدیدنظر و نوسازی تمام بخشهای کشور، شرکتهای سازمانهای خصوصی مورد احتیاج می‌باشد و در این بین ترکیه از خوش‌شانس‌ترین کشورهاست.

ترکیه علاقه به داشتن روابط با این کشورها را با به رسمیت شناختن و شروع تماس‌های سیاسی خود پیش از هر کشور دیگر اعلام کرده و با تأکید به این امر که فقدان روابط تجاری و اقتصادی مانع روابط سالم سیاسی می‌باشد، روابط اقتصادی را شروع کرده است.

در این نقطه ترکیه با استفاده از خصوصیات مدل مورد تأیید اروپا و آمریکای خود

تجربه‌های اقتصادی‌اش را در اختیار این کشورها گذاشته، در این راستا هزارها دانشجو از این جمهوری‌ها برای تأمین نیروی انسانی لازمه برای بازسازی این کشورها به ترکیه آورده شده‌اند. به‌علاوه همکاری سازمانهای دولتی و کمک در تأسیس سازمانهای مورد احتیاج برای اقتصاد آزاد این کشورها انجام شده است.

این همکاری‌ها در زمینه‌های به‌وجود آمدن قوانین موردنیاز، تأسیس سازمانهای مالی مشترک و تأمین وامهای مورد نیاز برای بازسازی اقتصادی آزاد به چشم می‌خورند. اما ترکیه با وجود داشتن زبان، دین، فرهنگ مشترک از این برتری خویش در گرفتن سهم به‌سزایی از منطقه موفق نشده است. در رابطه با این مسأله برای پیشرفت روابط بین جمهوری‌های ترک‌زبان و ترکیه جهت همکاری و کمک به این کشورها در پایه‌ریزی دموکراسی و اقتصاد آزاد، آژانس همکاری و توسعه ترکیه (تیکا) در وزارت امور خارجه تأسیس شده است. این آژانس برای کارهای کوچک و متوسط گشایش اعتبار نموده و در این رابطه کارهای شایانی کرده است. سیاستمداران و مطبوعات در ترکیه در سالهای اول استقلال جمهوری‌ها درباره رقابت بین مدلهای ایران و ترکیه و نقش ترکیه در منطقه اطلاعات مبالغه‌آمیزی به افکار عمومی انتقال داده‌اند. نقش ترکیه تا این تاریخ بیشتر نقش کاتالیزور بوده و در چارچوب این نقش دانشگاههای ترکیه نقش مهمی داشته‌اند. حجم نشریات مربوط به این کشورها زیادتر گردیده به پخش امواج ماهواره‌ای از دریای آدریاتیک تا چین اهمیت داده شده است. ترکیه امیدوار است که از تجارت روزافزون منطقه سود برده و با استفاده از منابع زیرزمینی و ذخایر آسیای مرکزی از یوغ وابستگی به منابع و ذخایر خاورمیانه‌رهایی یابد. سیاست ترکیه در منطقه در چارچوب خواستههای ناموفق، سعی در سرد کردن دولتهای جدید از روسیه و از بین بردن سوءظن این کشور، محافظه کارانه و با احتیاط رفتار می‌کند. روسیه رابطه خود را با علم به پول مشترک خود با آسیای مرکزی و زبان روسی که اکثراً مورد استفاده این منطقه است ادامه می‌دهد. در این نقطه دولت ترکیه علاقه خود را با کمک و همکاری در زمینه‌های استقرار حکومت لایبک و اقتصاد بازار آزاد نشان داده است. ترکیه در

درازمدت می‌خواهد به ذخایر منطقه به چشم محیط تجاری نگاه کرده و واسطه کمکهای دول غربی شود و نقش دروازه خروج به اروپا را ایفا کند. اما در مدت کوتاهی فهمیده که مباحثات کشورهای تازه استقلال یافته خیلی بیشتر از آن است که ترکیه بتواند از عهده برآید و ممکن است که تمایل افکار عمومی در ورود به منطقه تضعیف شود. با توجه به این نکته ترکیه تا سال ۱۹۹۶ تحت عنوان کمکهای انسانی به آذربایجان ۵۱، به قرقیزستان ۱۸/۵، به ترکمنستان ۶ میلیون دلار وام داده است. به علاوه، به عنوان سرمایه‌گذاری پروژه و صادرات اجناس تا نیمه دوم ۱۹۹۵ به قزاقستان ۱۱۰، به ازبکستان ۳۰۰، به قرقیزستان ۲۵ و به ترکمنستان ۸۸ میلیون دلار وام داده است.

اما دولت ترکیه نتوانسته پاسخ قابل توجهی به این کشورها در حل مسایل بازسازی و توسعه بدهد. حتی در بعضی از مسایل، روابط از مرز احساسات تجاوز نمی‌کند. ولی با وجود کمبود بازدهی و نبودن روابط سالم دولتی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را می‌توان از عوامل مهم توسعه روابط بین ترکیه و این کشورها دانست و واقعاً بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری‌های کلان در زمینه‌های مختلف و دور از دسترس دولت و مخصوصاً در بخش آموزش و پرورش آینده روابط این کشورها را جهت داده است.

علت افزایش نقش ترکیه در منطقه، استفاده از تجربیات این کشور در پیشرفت و غرب‌گرایی که از زمان آتاترک شروع می‌شود، است. این تجربیات در استفاده از تکنولوژی مدرن، حرکت در جهت منافع منطقه و احتیاج منطقه به باز کردن درها به بازارهای دنیا تحقق پیدا می‌کند. در چارچوب این مسایل در اواسط ۱۹۹۵ تعدادی از شرکتهای فعال ترک ۶۲ پروژه به ارزش ۸۰۷ میلیون دلار امضا کرده‌اند. نکته‌های مهم در ارزشیابی جهت فعالیتهای شرکتی ترک در آسیای مرکزی به شرح زیر می‌باشد:

در صدر کارهای انجام شده باید بر ساخت مجتمع‌های ساختمانی تأکید کرد. بخش خصوصی ترک در برقراری روابط خارجی قوی موفق و در فعالیتهای ساختمانی بیشتر دیده

شده‌اند. ترکیه به دلیل عقب افتادن در بردن سهمی از منافع شرکت در انجام پروژه‌های عظیم در دهه ۸۰ در سطح دنیا شروع به فعالیتهای ساختمانی کرده است. سرمایه شرکت‌های ترک در روسیه در اواخر دهه ۸۰ شروع به ازدیاد کرد و در دهه ۹۰ به حد قابل توجهی رسید. این شرکتها به نسبت مزیت‌های بیشتری دارند. زیرا در سطح استانداردهای آسیای مرکزی کارها را با مقیاسهای بزرگ و کیفیت بالا انجام می‌دهند. قیمت‌ها نسبتاً پایین‌تر و شرکتها بازپرداختها را در شرایط گوناگون و به صورت وام دریافت می‌دارند. برای مثال شرکت «برک»^۱ برنده مناقصه ساخت فرودگاه آلتراو در قزاقستان شده است. این شرکت در حالی که شرکت‌های غربی بین ۴۶-۲۶ میلیون دلار قیمت داده بودند فقط با ۱۴ میلیون دلار تمامی کار را تعهد داده است.

به علاوه، شرکت‌های ترک در بازار تولیدات، صنایع سبک، صنایع تغذیه هم موفق هستند. بعدها در رشته‌های دیگری نظیر هتلداری، جهانگردی نیز فعالیت کردند. قزاقستان یکی از محیط‌های مهم فعالیت این شرکتها محسوب می‌شود. برای مثال باکمک شرکت‌های ترک کارخانه‌های ماکارونی، شیر و چرم‌سازی و ساخت هتل آنکارا انجام و احداث شده است. با توجه به این نکته تا سال ۱۹۹۸ بیش از ۲۰۰ شرکت ترک در رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده و با رقم ۳۱۹ کنسرسیونم این شرکتها در رده اول قرار دارند.

در ازبکستان، باکمک‌های شرکت بش‌تاش^۲ کارخانه فرش صادراتی و با شرکت یازتکس^۳ و کاتکس^۴ یک کارخانه نساجی ساخته شده است. با شرکت توپ‌کاپی^۵ با همکاری یک شرکت ازبک یک کارخانه نغریسی را به قیمت ۴۴ میلیون دلار تأسیس کرده‌اند. ناگفته نماند که وام اگزیم بانک^۶ هم که در جهت تشویق شرکت‌های ترک در این کشور داده شده از نکته‌های مهم این مسأله است.

1. Berk

2. Bes Tas

3. Yazteks

4. Kateks

5. Topkapi

6. Exim Bank

علاوه بر وامهایی که در گذشته به ازبکستان داده شده بود در اواخر سال ۱۹۹۶، برای استفاده در زمینه‌های تغذیه و ساختمان ۱۲۵ میلیون دلار وام اعطا شده است. در نتیجه تا اواخر ۱۹۹۷ تعداد شرکتهای ترک به ۲۳۴ رسیده که این رقم پس از ۳۲۹ شرکت روسی در رده دوم قرار دارد. سرمایه‌گذاری گروه کوچ^۱ در زمینه‌های اتوموبیل و لوازم خانگی نیروی بخش خصوصی ترک را بیشتر کرده است.

تمایلات شرکتهای ترک در کشورهای دیگر آسیای مرکزی نیز به همان شکل است. برای مثال این شرکتها در ترکمنستان در زمینه‌هایی که در بالا اشاره شد فعالیت داشته به خصوص سرمایه‌گذاری در زمینه ساختمان در آخر سال ۱۹۹۶ به مرز ۸۰۰ میلیون دلار رسیده است. در بین شرکتهای خارجی که در ترکمنستان فعالیت می‌کنند شرکتهای ترکی با تعداد ۱۷۸ در رده اول قرار دارند. به همان شکل در قزاقستان نیز شرکتهای ترک ۲۰٪ از کل شرکتهای خارجی را شامل شده و ۲۵۰ میلیون دلار حجم کار را در دست دارند. به علاوه این شرکتها واسطه شرکتهای کانادایی و آمریکایی در زمینه جستجوی طلا نیز هستند.

در آخر شرکتهای ترک در آسیای مرکزی با بزرگترین شرکتهای دنیا شریک شده و برای ورود آنها به منطقه میانجیگری می‌کنند. برای مثال شرکتهای مذکور در قزاقستان با شرکت زیمنس^۲ در زمینه تولید برق همکاری می‌کنند و یا با شرکت کوکاکولا^۳ و قزاقستان در ازبکستان و قرقیزستان شیشه پلاستیکی تولید می‌کنند. در شرکتهای مشابه شرکتهای بزرگ خارجی در بخش فنی فعالیت می‌کنند و شرکتهای ترک هم مابقی کار را انجام می‌دهند؛ این شرکتهای دفاتر ارتباط خود را در آنکارا و استانبول مستقر کرده‌اند.

از این دیدگاه امکانات ایران محدودتر می‌باشد. در دهه ۷۰ و ۸۰ تضعیف توسعه و پیشرفت در بخش خصوصی تأثیر به‌سزایی داشته است. بسیاری از سرمایه‌داران مجبور به ترک کشور شده و

1. Koc

2. Seimens

3. Coca cola

باقی ماندگان هم در شرایط نامناسب برای حرکت در بخش خصوصی مجادله می‌کنند. ترکیه به بازارهای با استاندارد پایین آسیای مرکزی می‌تواند صادرات داشته باشد و بعضی از اجناس را به وسیله مبادله به پنبه، آهن آلات و تولیدات نفتی تبدیل کند. اما اجناس ایران نمی‌تواند حتی با اجناس چینی رقابت کند. ایران نتوانسته برای کشورهای آسیای مرکزی تکنولوژی لازمه و تجهیزات مدرن فراهم کند. این شرایط برای ترکیه نسبتاً آسانتر است. زیرا ترکیه با توجه به داشتن هویت اسلامی همیشه روابط خود را با شرکتهای بزرگ دنیا حفظ کرده است. اگر به قرارداد بین بازار مشترک اروپا و ترکیه در زمینه گمرک توجه شود، کشورهای اروپایی به ادامه روابط با ترکیه‌ای که در نظر آسیای مرکزی مطرح است اهمیت خاصی می‌دهند. به همین دلیل که شرکتهای نظیر چیس منهتن بانک^۱، کوکاکولا، کاترپیلار^۲، زیمنس از استانبول برای جای پای جهت جهش به سوی منطقه استفاده می‌کنند. ایران به دلیل نداشتن اقتصاد بازار آزاد بعد از انقلاب از تولیدات و ایجاد محیط رقابتی در بخش خصوصی و دولتی جلوگیری کرده است. این عمل نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهای در حال توسعه متکی به دولت به یک شکل می‌باشد. در آینده اقتصاددانان تحصیل کرده کشورهای غربی سرمایه خصوصی ایران را هدایت کرده و درها را به اقتصاد بازار آزاد باز خواهند کرد. بخش خصوصی روسیه نیز به دلیل نداشتن امکانات در آسیای مرکزی موفق نیست.

تعداد شرکتهای سرمایه‌گذار مشترک در آسیای مرکزی و روسیه

۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	
۵۲۸	۲۶۲	۲۵۳	قزاقستان
۷۴	۶۰	۳۰	قرقیزستان
۴۷	۳۹	۱۹	ترکمنستان
۳۹۱	۳۳۶	۱۷۵	ازبکستان

1. Chase Manhattan Bank

2. Caterpillar

ولی حقیقت از جدول آمار متفاوت است. ورشکسته شدن «اوتو بانک» در اواخر ۹۵ و اوایل ۹۶ در قرقیزستان را می توان به عنوان مثال نشان داد. قزاقسان نیز در آلماتی در خصوص ساختن کارخانه چای قراردادش را با شرکت روسی «آلفاکو»^۱ به دلیل فراهم نکردن ۵۳/میلیون دلار لازم برای سرمایه گذاری فسخ کرده است. مدیریت مجتمع «اولبین»^۲ را نیز شرکت روسی «اینتر-روس»^۳ برنده شده اما به همان عاقبت گرفتار شد. مدیریت شرکت «کاراتور»^۴ تولیدکننده فسفر و نیز شرکت روسی - ازبک - قزاق «یوتک - لوک اوایل»^۵ نتوانستند پروژه خود را عملی کنند.

سرمایه گذاری روسیه در آسیای مرکزی

(میلیون دلار)

مجموع	۱۹۹۷	۱۹۹۶	
۱۸	۳/۸	۱۴/۲	قزاقستان
۱۲	۲/۴	۹/۶	ازبکستان

تمام این مسایل ما را به این نتیجه می رساند که سرمایه تضعیف شده و در حال توسعه روسی به دلایل زیر هنوز نتوانسته به اندازه کافی به بازارهای دنیا وارد شود:

۱. شرکتها و مؤسسه های روسی هنوز شرایط مؤسسه بودن را نمی توانند بجا بیاورند و سرمایه داران و شرکتهای روسی احتیاج به زمان دارند.
۲. سرمایه روسیه در آسیای مرکزی موقعیت خاصی را داراست. این شرکتها مانورهای اقتصادی انجام می دهند مثلاً در رابطه با «آلفابانک» با داشتن بیشترین ذخیره ارزی شایعات بسیار وجود دارد.

1. Alfa-eko

2. Ulbin

3. Inter-Ros

4. Karator

5. Utek-Lukoil

۳. شرکتهای خصوصی وام سرمایه‌گذاری را نمی‌توانند به‌دست بیاورند.

۴. نداشتن تکنولوژی لازم و مدرن برای توسعه و پیشرفت کشورهای مذکور که کمک لازمه را دریافت نمی‌کنند. البته این خصوصیات برای سرمایه‌روسی موقت می‌باشد و در آینده شخصیت اصلی خود را نمایان خواهد ساخت.

این پیش‌بینی طی دو سال اخیر دیده می‌شود. برای مثال در مرداد ۱۹۹۷ امضای قرارداد وام ۴۵ میلیون دلاری خرید هواپیماهای مسافربری U-154M و توسعه تأسیسات گاز طبیعی و فعالیت روسیه در منابع طبیعی و ذخایر نفتی را می‌توان شمرد. در این چارچوب کشورهای منطقه به سرمایه‌گذاری‌های روسیه به چشم پیشاهنگان مخفی امپراتوری روسیه نگاه می‌کنند. این مطلب بسیار مهم است. زیرا همگان به شریکهای خارجی بیش از روسها اهمیت می‌دهند. شرکتهای غربی که به منطقه علاقه خاصی دارند از شرایط مخصوص اقتصادی استفاده کرده و علیه روسیه تبلیغات منفی می‌کنند.

اما کشورهای منطقه فعلاً به روابطشان با روسیه به دلیل منفعت‌هایشان اهمیت داده سیاست متعادلی را پیش می‌گیرند. این برخورد با سرمایه‌روسی زودگذر است و مخصوص این زمان و شرایط فعلی است. پس از نیرومند شدن سرمایه خصوصی روسیه، ممکن است این سرمایه با تمام قوا به این منطقه سرازیر شود و وارد شدنش به دلیل گذشته مشترک، زبان مشترک و خصوصیات صنعتی مشترک به مراتب با سرعت انجام خواهد شد. اما موفق شدن سرمایه‌روسی در آسیای مرکزی بستگی به رهایی از کشمکشهای کانونهای کمونیسیم و امپریالیسم دارد. تا زمانی که تمایل هدایت‌کنندگان سرمایه‌روسی به این شکل باشد، کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق با احتیاط با این مسأله برخورد می‌کنند.

در حالی که بخش خصوصی روسیه تضعیف شده و مشکلات ادغام با سرمایه‌جهانی دارد بعضی از شرکتهای روسی نیز امکان رقابت در سطح دنیا را دارند. برای مثال در زمینه صنایع نفت

و گاز که در بالا اشاره شد یکی از این شرکتها «لوک‌اویل»^۱ است که در این منطقه ادعا دارد. پروژه‌هایی که با همکاری این شرکت انجام شده به شرح زیر می‌باشد: کنسرسیوم خزر، در غرب قزاقستان همکاری «کوم کول - لوک‌اویل» و در شهر آتیران قزاقستان شرکت تولید روغن موتور، کاوشهای ذخایر گاز طبیعی در ازبکستان، تأسیس پمپ بنزین‌های مدرن در قزاقستان و قرقیزستان و شرکت «گاز پروم»^۲ با حمل و نقل و صادرات ۹۵٪ از گاز طبیعی هر ساله به اقتصاد کشور میلیاردها روبل کمک می‌کند و در رساندن گاز ترکمن و قزاق به اروپا فعالیتهای گسترده و چشمگیری انجام می‌دهد. همان شرکت برای مدیریت گاز منطقه کاراچاگاناک قزاقستان، ۱۵٪ سهم در اختیار دارد و با ترکمنستان نیز پروژه‌های مشترکی دارند. پیشرفتهایی که در سالهای اخیر حاصل شده نشان‌دهنده غنی بودن ذخایر آسیای مرکزی بوده و شرکت‌های بزرگ گاز و نفت روسی با شرایط برترشان در منطقه سود بیشتری عایدشان خواهد شد. مجتمع‌ها و تأسیسات انرژی روسی جوابگوی احتیاجات در منطقه شده و در بازارهای بین‌المللی با قیمتهای کم و وام رقابت می‌کنند. با توجه به این نکات بخش خصوصی روسیه در آسیای مرکزی و مخصوصاً در قزاقستان در زمینه استخراج و ذوب فلزات پیشرفتهای چشمگیری خواهد کرد. زیرا شرکت‌های روسی در این زمینه بسیار موفق هستند. به نظر آگاهان بعد از رژیم شوروی صنایع متالوژی را تاجران بیش از تولیدکنندگان هدایت می‌کنند و این موضوع پیشرفت صنایع را سخت کرده است.

اهمیت عامل جغرافیایی در رقابت

دورافتادن کشورهای آسیای مرکزی از بازار جهانی و راه نداشتن قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به دریای آزاد باعث می‌شود استفاده از خاک کشورهای همسایه برای انتقال محصولات نفتی به بازار جهانی اجتناب‌ناپذیر گردد. به این سبب برای فروش منابع طبیعی به بازار جهانی احداث خطوط لوله ضروری است. در حالی که این کشورها در ضعف اقتصادی به سر

1. Lukoil

2. Gaz Prom

می‌برند بین شرکت‌های بزرگ برای احداث خطوط لوله نفتی که میلیاردها دلار هزینه دربر می‌گیرد رقابت رفته‌رفته شدیدتر می‌شود.

در این چارچوب دیدگاه ترکیه، روسیه و ایران به این مسأله با یکدیگر هماهنگی ندارد. یکی از دلایلی که باعث پیچیدگی اوضاع می‌شود، مسأله انتقال نفت حوزه خزر از طریق تنگه‌های دریای سیاه می‌باشد. طرف ترک به سبب برنامه انتقال نفت حوزه خزر از طریق تنگه‌ها دچار نگرانی شدیدی شده و از طرفی تنگه‌ها تنها راه آبی است که ارتباط روسیه با قسمت جنوبی و دریاهای گرم را برقرار می‌سازد و پافشاری روسیه بر عبور نفت از طریق تنگه‌ها باعث شده که اختلاف نظر بین دو کشور اوج گیرد.

در رابطه با این موضوع، ترکیه با هدف تأمین امنیت بزرگترین شهر خود یعنی استانبول و نیز برای جلوگیری از نفوذ روسیه در آسیای مرکزی و منابع انرژی حوزه خزر، معاهده بین‌المللی مونترو را به صورت یک طرفه نقض کرد. معاهده مونترو معاهده‌ای است که نحوه عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه چاناک کاله و استانبول را معین می‌کند و نوروسیسک پس از فروپاشی شوروی سابق یکی از مهمترین دریچه‌های راهیابی روسیه به بازار جهانی می‌باشد. اگر طرح مورد نظر وزارت امور خارجه ترکیه مبنی بر ممنوعیت عبور و مرور تانکرهای بزرگ نفتی از تنگه‌ها تحقق یابد، انتقال نفت تنگیز قزاقستان به نوروسیسک نیز از اهمیت ساقط خواهد شد. شرکت ایران در انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی نیز باعث به وجود آمدن بحث‌های شدیدی شده و حقیقت این است که ایالات متحده آمریکا با شرکت ایران در امر پالایش و انتقال نفت دولتهای بی‌طرف صددرد مخالف است. تنها راه هماهنگی در این مسأله احداث بیش از یک خط لوله نفتی از طریق اراضی روسیه، ترکیه و ایران است زیرا ذخایر گاز و نفت دولتهای آسیای مرکزی به حدی زیاد است که برای صادر کردن آنها به بیش از یک خط لوله نیاز می‌باشد.

اثر اقتصادی آلترناتیوهای مختلف در انتقال نفت تنگیز

هزینه حمل برای هر بشکه به دلار	حجم سرمایه‌گذاری میلیون دلار	طول خط لوله به مایل	
۳/۲۵	۱۱۰۰	۹۳۰	تنگیز - نوروسیسک
۵/۵۵	۲۳۲۵	۱۷۵۰	تنگیز - باکو - ایران - ترکیه
۵/۸۰	۲۴۸۰	۱۱۵۰	تنگیز - باکو - تفلیس - ترکیه
۴/۵۵	۲۳۸۰	۱۲۵۰	تنگیز - باکو - پوتی‌گرجستان
۵/۵	۳۳۰۰	۱۷۳۰	تنگیز - جزیره خارک

به این صورت که در سال ۲۰۱۰، قزاقستان به تنهایی تولید بیشتر از صد میلیون تن محصول نفتی و دویست و سی تریلیون متر مکعب گاز طبیعی را هدف قرار داده است. قسمت بزرگی از نفت و گاز به بازارهای خارجی منتقل خواهد شد. در انتخاب روش انتقال از طریق خط لوله در نهایت نه مصالح سیاسی بلکه منافع مادی دولت‌ها و درآمد اقتصادی برنده این بازی خواهد بود. به گفته‌ای دیگر، عواقب اقتصادی خط لوله در آخرین انتخاب نقش بزرگی ایفا خواهد کرد. طبق آماري که در دست است برای صادر کردن نفت تنگیز بهترین راه ممکن، راه پیشنهادی کنسرسیوم خط لوله خزر می‌باشد. طبق محاسبات متخصصین شرکت لوک‌اویل روسیه و ترانس نفت^۱ در سه یا چهار سال آینده نفت به دست آمده در جمهوری آذربایجان و قزاقستان با ایجاد نوسازی‌های کوچک در خطوط قدیمی، نفت قابل توجهی را به بازار جهانی عرضه خواهد نمود. به این صورت رقابت سیاسی بر سر انتقال نفت جمهوری آذربایجان و قزاقستان و گاز ترکمنستان چند سال دیگر ادامه خواهد داشت؛ ولی در نهایت عامل اقتصادی به تمامی مشاجرات پایان خواهد داد. یک حقیقت دیگر ایجاد امنیت و گارانتی در انتقال نفت و گاز

1. Transneft

برای سالهای طولانی می‌باشد. در انتقال نفت حوزه خزر حکومت‌های کوچک را نیز باید در این معادله دخیل کرد؛ زیرا موضوع مورد بحث نفت است که پایه اقتصاد امروزی و مهمترین ماده خام بازار جهانی می‌باشد. وجود یک رقابت آشکار و پنهان تعیین‌کننده و کارا در منطقه بدین صورت قابل توضیح می‌باشد که در صورت پیدا نشدن راه‌حل از طریق روش‌های عادی سیاسی و اقتصادی استفاده از نیروی قهرآمیز اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. مانند آنچه در برهه‌های مختلف تاریخی دیده شده در این شرایط نیز عامل سیاست غیراخلاقی اهمیت پیدا می‌کند. کشورهای بر سر منابع و بازار رقابت می‌کنند هنگامی که یک یا دو کشور به این نتیجه برسند که به حقوقشان تجاوز شده است، از آنجا که راه دیگری ندارند ثبات منطقه را برهم زده متوسل به زور می‌شوند. توضیح انگیزه درگیری‌ها (چچنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و آنجاریا) بر اساس منابع نفت حوزه خزر اتفاقی نمی‌باشد.

حمل و نقل بین آسیا و اروپا و خطوط لوله انرژی

از آنجا که ایران برای مؤثر واقع شدن در آسیای مرکزی برگ برنده دیگری را در دست ندارد، در ارتباط دادن دولتهای آسیای مرکزی و بازارهای جهانی خواهان اجرای نقش مؤثری می‌باشد. این تمایل در آینده یک ارزش جهانی به دنبال خواهد داشت. نیت اصلی ایران با این سخنان رفسنجانی در کنفرانس فوریه ۱۹۹۲ که طی آن کشورهای آسیای مرکزی در سازمان اکو (ECO) پذیرفته شدند آشکار گردید:

ایران برقرارکننده ارتباط بین کشورهای عضو اکو می‌باشد و همکاری باید حتماً از طریق ایران انجام گیرد. ارتباط شمال - جنوب، شرق و غرب، آسیای مرکزی و اروپا، اروپا و آسیای مرکزی، خطوط لوله نفت و گاز، راه‌آهن‌ها، شبکه‌های اطلاعاتی و راه‌های هوایی جهانی باید از طریق ایران برقرار شود.

ایران در تابستان ۱۹۹۶ احداث راه‌آهن بین مشهد (ایران) و عشق‌آباد (ترکمنستان) که از تاجن می‌گذرد را به پایان رسانید. قبل از آن در سال ۱۹۹۰ خطوط راه‌آهن قزاقستان به کمک

خطوط جهانی دروزبا^۱ و آلانکشو^۲ به خط راه آهن چین متصل شده بود. در نتیجه بین چین، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه خطوط ارتباطی راه آهن در حمل بار بین اروپا و آسیا به یک سوم کاهش یافته است. از طرفی ایران خواهان حضور در آسیای مرکزی با استفاده از خطوط جاده‌ای می‌باشد، به همین جهت ساختن راه‌های بین عشق‌آباد - مرو و عشق‌آباد - باجگیران را به عهده گرفته است.

مورد دیگر از فعالیتهای ایران تأسیس خط ارتباطی آوراسیا می‌باشد. سازمان پست و تلگراف دولتی ایران توانسته است در امر تأسیس بخش ترکمنستان این خط شریک شود. ایران به سبب تجارت روزافزون بین کشورهای آسیا - پاسیفیک و اروپای غربی و با هدف تبدیل شدن به پل اتصال دهنده چین به خلیج فارس و دریای مدیترانه در بهار ۱۹۹۵ خط آهن جدید بافق - بندرعباس را افتتاح نمود.

حتی اگر تمامی پروژه‌های ارتباطات، راه آهن و خط لوله نفتی به واقعیت بپیوندند، تأثیر ایران بر اقتصاد آسیای مرکزی چندان قابل توجه نخواهد بود. زیرا ایران توانایی آن را ندارد که تکنولوژی و منابع مالی به کشورهای آسیای مرکزی انتقال دهد و این کشور نمی‌تواند در بازارهای آسیای مرکزی با کشورهای با اقتصاد قویتر رقابت نماید. به همین جهت ایران تنها می‌تواند نقش یک پل بین قاره اروپا، آسیای مرکزی و آسیای شرقی را بازی نماید. تجارت روزافزون بین این دو بخش بزرگ جهان، باعث شده که نیاز به استفاده از کشورهای آسیای مرکزی به عنوان یک کریدور محسوس باشد. بخشی از خط سابق اروپا - قفقاز - آسیا، که از شوروی سابق عبور می‌نمود شامل آلماتا - عشق‌آباد - ترکمن‌باشی - باکو - پتی می‌باشد. شرکت جستن ایران در طرح‌های مربوط به تجارت جهانی، به رغم مخالفت آمریکا به واقعیت خواهد پیوست. همچنانکه در مورد خط لوله نفت و گاز صدق می‌نماید، در نهایت نه ایدئولوژی سیاسی بلکه اقتصاد نقش اساسی را بازی خواهد نمود.

1. Drujba

2. Alanksov

نتیجه

رقابت میان ایران، روسیه و ترکیه بر سر منابع و بازار آسیای مرکزی، بیشتر بر سرمایه خصوصی متکی می‌باشد. فعالیت سرمایه‌های خصوصی نیز همواره وابسته به موقعیت اقتصادی و پتانسیل حکومت می‌باشد. بازیگران اصلی در اقتصاد جهانی مدرن، شرکتها و سازمانهای چندملیتی می‌باشند.

دیگر دوره ایدئولوژی‌های سیاسی که بیشتر مخصوص دوران جنگ سرد بودند و متکی بر نیروی نظامی، سپری شده است. قدرت و یا ضعف یک حکومت وابسته به شرکت جستن این حکومت در روابط اقتصادی روبه رشد بین‌المللی و مطابقت فعالیتهايش با تقاضاهای اقتصاد جهانی است از این جهت و با این دیدگاه، کشوری که در میان سه کشور، کمتر از همه به نیازهای جهانی اقتصاد پاسخ می‌دهد، ایران است.

به‌طور اصولی، شرکتهای روس هم جزو شرکتهای بین‌المللی هستند که در منطقه فعالیت دارند. حداقل، روسیه خواهان فعالیت شرکتهایش در این منطقه است. فعالیتهای روسیه در این منطقه و روابط اقتصادی آن با منطقه بیشتر نوعی میراث دوران گذشته است.

اگرچه آمار و ارقام تجارت از نظر روسیه بسیار عالی است، ولی سنگ بنای این رابطه را صادرات محصولات نفتی و انرژی و واردات مواد غذایی تشکیل می‌دهد. تأثیر روسیه بر آسیای مرکزی، وابسته به این خواهد بود که روسیه از سیاستهای سابق امپراتوری دست بردارد و روابط جدیدی با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برقرار نماید. از امکانات خود در جهت منافع اقتصادی بهره‌برداری کند. چنانچه این امور به واقعیت بپیوندد موقعیت پیچیده خواهد شد. قدرت سیاسی و نظامی روسیه در خدمت سرمایه‌های خارجی قرار خواهد گرفت. همچنانکه در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نشانه‌هایی از این وضع قابل مشاهده می‌باشد.

ترکیه برعکس ایران، بهترین نقش را در بازارهای آسیای مرکزی بازی می‌نماید. این وضع بیشتر در مورد بخش خصوصی صدق می‌نماید. ترکیه در عین حال از طریق همکاری با

شرکتها و بانکهای بین‌المللی بزرگ، این نقش را توسعه می‌بخشد. ولی سرمایه ترک، به‌جز در موارد خاصی ناکافی است و چاره را در ایفای نقش واسطه‌شرکتهای بین‌المللی بزرگ می‌یابد. کاری که ترکیه می‌تواند در این زمینه به انجام برساند این است که برنامه‌های مربوط به این منطقه، بیشتر در دستور کار دولت قرار گیرد. از سویی لازم است که سیاستهایی به دور از احساسات و منطبق بر شرایط اقتصادی و سیاسی جهانی دنبال شود.

به‌جز بخشهایی از بازار که از دست رفته است، بخشهای دست‌نخورده‌ای باقی مانده که باید توجه معطوف آنها گردد و سرمایه‌گذاران ترک با آنها آشنا گردند.

بی‌شک رقبای موجود در آسیای مرکزی محدود به چند کشور نام برده نمی‌باشند. حتی نقش اول از آن کشورهای پیشرفته غربی است. به اینها باید ژاپن که ظرف چند سال اخیر به سرعت به این بازار وارد شده را نیز افزود.

در این منطقه بیش از نقش واسطه‌گری، برعهده گرفتن نقش اصلی قرار داده‌ها برای ترکیه اهمیت دارد. این امر نیز تنها از طریق ایفای نقش تاریخی از طرف هولدینگ‌های بزرگ ترک که دیگر بازارهای داخلی برایشان کفایت نمی‌نماید میسر می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني